بولتن محیط زیست



Enviromental Bulletin

دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵ | شماره ۸۵ | October 26. 2026-No 85

اخبار محیط زیست ایران

COP17 در ایروان ارمنستان ؛

« آزمون جهانی تعهد به حفاظت از طبیعت »



جهان برای نجات تنوع زیستی فرصت چندانی ندارد؛

آیا تعهدات بین‌المللی به اقدام مؤثر تبدیل خواهند شد؟

هفدهمین کنفرانس اعضای کنوانسیون تنوع زیستی سازمان ملل متحد (COP17)، از ۱۹ تا ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶ در ایروان ارمنستان برگزار می‌شود.

محور اصلی این نشست، نخستین ارزیابی جهانی پیشرفت کشورها در اجرای چارچوب تنوع زیستی کونمینگ–مونترال است؛

توافقی بین‌المللی که در سال ۲۰۲۲ با هدف متوقف‌کردن و برگرداندن روند ازدست‌رفتن تنوع زیستی تا سال ۲۰۳۰ به تصویب رسید.

این چارچوب ۲۳ هدف جهانی را دنبال می‌کند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان :

۱- حفاظت از ۳۰ درصد مناطق خشکی و دریایی،

۲- احیای ۳۰ درصد اکوسیستم‌های تخریب‌شده .

۳- اصلاح یارانه‌ها و مشوق‌های زیان‌بار برای طبیعت اشاره کرد.

بااین‌حال، گزارش جهانی منتشرشده در آستانه COP17 نشان می‌دهد که تعیین اهداف و تدوین برنامه‌های ملی به‌تنهایی کافی نیست. با وجود گسترش تعهدات کشورها، کمتر از نیمی از اهداف ملی ارزیابی‌شده در مسیر تحقق قرار دارند.

موانع مهم دست یابی به این اهداف تا سال ۲۰۳۰ میلادی عبارتند از :

۱- شکاف مالی .

۲- ضعف ظرفیت اجرایی .

۳- ادامه سیاست‌های آسیب‌زا برای محیط زیست.

اهمیت کنفرانس ایروان در این است که ارزیابی وضعیت موجود را به فرصتی برای تسریع اقدامات عملی تبدیل کند.

۱- تأمین منابع مالی پایدار .

۲- حفاظت مؤثر از زیستگاه‌ها.

۳- احیای اکوسیستم‌ها .

۴- همکاری علمی و مشارکت جوامع محلی باید در مرکز این تلاش‌ها قرار گیرند.

حفاظت از تنوع زیستی، حفاظت از بنیان‌های زندگی انسان است. امنیت غذایی، منابع آب، سلامت عمومی و پایداری اقتصادی همگی به سلامت اکوسیستم‌ها وابسته‌اند. ازاین‌رو، موفقیت COP17 در میزان تأثیر آن‌ها بر سیاست‌ها و اقدامات واقعی کشورها سنجیده خواهد شد.

فرصت تحقق اهداف ۲۰۳۰ محدود است؛ اکنون زمان آن رسیده است که تعهدات جهانی به نتایجی ملموس برای طبیعت تبدیل شوند.

کاظم رستمی

دیدبان منابع طبیعی و محیط زیست ایران

۲۵۳کیلومتر از طول رودخانه های سراسر مازندران با تشخیص شرکت آب منطقه ای و موافقت اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان بانام جعلی درختان «خطرآفرین ایستاده» و به بهانه پدیده اِلنینو پاکتراشی خواهد شد.

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵ | شماره ۸۵ | October 26. 2026-No 85

درحالیکه سازمان های مردم نهاد، اساتید دانشگاه ها و کارشناسان منابع طبیعی و محیط زیست از خرداد ماه سال جاری تا امروز با استفاده از اهرم های مدنی طی دو نوبت نشست تخصصی سرگرم رای زنی با سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور بودند و خود را برای نشست سوم طی هفته جاری در ساری آماده می کنند تا از بیرون کشیدن درختان زیستگاهی با نام جعلی درختان شکسته و افتاده جلوگیری کنند، سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور سرگرم تفاهم با شرکت آب منطقه ای با هدف قطع درختان سرپا با نام درختان خطرآفرین ایستاده بود.

شرکت آب منطقه ای فهرست درختان سرپای خطر آفرین را در طول ۲۵۳ کیلومتر از رودخانه های شهرستان های نکا، ساری، بابلسر، نور، قائمشهر، سوادکوه، سوادکوه شمالی، جویبار، بابل و آمل تنظیم و برای آغاز بهره برداری به اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری مازندران ارسال کرده است.

منبع: کانال خبر مازندران

خوزستان در حسرت هوای تازه؛

آلودگی ۱۲ شهر به وضعیت قرمز رسید



لودگی هوا در خوزستان شدت گرفته و بر اساس تازه‌ترین اعلام اداره‌کل حفاظت محیط زیست استان، هوای ۱۲ شهر در وضعیت قرمز و ناسالم برای همه گروه‌های جمعیتی قرار گرفته است. این در حالی است که صبح شنبه تنها پنج شهر در وضعیت قرمز بودند. تکرار روزهای آلوده در خوزستان، بار دیگر بحران دیرپای ریزگردها، خشک‌شدن تالاب‌ها، فعالیت صنایع نفتی و ناکارآمدی اقدامات کنترل آلودگی را برجسته کرده است. اداره‌کل حفاظت محیط زیست خوزستان روز یکشنبه ۲۶ مهر اعلام کرد که شاخص کیفیت هوا در ۱۲ شهر استان از مرز ۱۵۰ عبور کرده و در وضعیت قرمز قرار گرفته است.

به گفته مهدی موسوی، سرپرست روابط عمومی این اداره‌کل، شهرهای اهواز، ملاثانی، هویزه، مسجدسلیمان، شوشتر، گتوند، شوش، دزفول، اندیمشک، آبادان، شادگان و هندیجان در وضعیت ناسالم برای همه گروه‌های جمعیتی قرار دارند.

بر اساس داده‌های اعلام‌شده در ساعت ۱۰ صبح، شاخص کیفیت هوا در آبادان و شوشتر به ۱۶۵، در شوش به ۱۶۰، در اندیمشک و هندیجان به ۱۵۷، در دزفول و گتوند به ۱۵۶ و در هویزه به ۱۵۵ رسیده است. دزپارت و هفتکل وضعیت قابل قبول داشته‌اند، اما هیچ‌یک از شهرهای استان در وضعیت پاک نبوده‌اند.

گزارش صبح شنبه ۲۵ مهر نشان می‌داد که پنج شهر اهواز، شوش، شوشتر، مسجدسلیمان و گتوند در وضعیت قرمز قرار داشتند. افزایش شمار شهرهای آلوده به ۱۲ شهر در روز یکشنبه نشان‌دهنده گسترش جغرافیایی آلودگی در فاصله یک روز است.

شاخص کیفیت هوا در محدوده ۱۵۱ تا ۲۰۰ به معنای ناسالم‌بودن هوا برای همه گروه‌هاست. قرارگرفتن در این محدوده می‌تواند به‌ویژه برای کودکان، سالمندان، زنان باردار و بیماران قلبی و تنفسی خطرناک باشد و ضرورت کاهش فعالیت‌های طولانی و سنگین در فضای باز را افزایش دهد.

بحران مزمن آلودگی در خوزستان

وضعیت امروز بخشی از بحران گسترده‌تری است که سال‌هاست شهرهای خوزستان با آن مواجه‌اند. منشأ آلودگی هوا در این استان مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و انسانی است؛ از گسترش کانون‌های گردوغبار در ایران و کشورهای همسایه تا خشک‌شدن تالاب‌ها، سوزاندن گازهای همراه نفت، فعالیت صنایع آلاینده و آتش‌زدن بقایای کشاورزی.

محمدرضا موالی‌زاده، استاندار خوزستان، در آذر ۱۴۰۴ فلرهای نفتی و خشکی تالاب هورالعظیم را از عوامل اصلی آلودگی هوای استان معرفی کرده بود. او

همچنین از فعالیت حدود ۲۰۰ پایه فلر نفتی در خوزستان خبر داده بود. فلرها با سوزاندن گازهای همراه استخراج نفت، آلاینده‌های مختلفی وارد جو می‌کنند. در کنار آنها، خشک‌شدن بخش‌هایی از تالاب هورالعظیم و کاهش پوشش گیاهی، زمینه گسترش کانون‌های گردوغبار را فراهم کرده است.

در تیرماه ۱۴۰۵ نیز معاون محیط زیست انسانی خوزستان اعلام کرد که طرح‌های اجرایی مهار ریزگردها، بر اساس ارزیابی‌های انجام‌شده، حدود ۴۰ درصد اثربخشی داشته‌اند؛ رقمی که به گفته او نشان می‌دهد اقدامات موجود با گستردگی بحران تناسب ندارند.

پیامدهای این وضعیت به شاخص‌های محیط زیستی محدود نمی‌شود. مسئولان دانشگاه علوم پزشکی اهواز پیش‌تر نسبت به افزایش خطر بیماری‌های تنفسی و قلبی و تأثیر آلودگی بر سلامت جمعیت هشدار داده‌اند. تعطیلی‌های مکرر مدارس و اختلال در فعالیت‌های روزمره نیز از پیامدهای تکرارشونده آلودگی هوا در خوزستان بوده است.

با وجود برنامه‌های اعلام‌شده برای جمع‌آوری گازهای همراه نفت، احیای تالاب‌ها و مهار کانون‌های گردوغبار، تداوم وضعیت قرمز در شهرهای متعدد خوزستان نشان می‌دهد که بحران آلودگی هوا همچنان یکی از مسائل جدی سلامت عمومی و محیط زیست در این استان باقی مانده است.

منبع: رادیو زمانه

ریه‌های تهران چگونه از نفس افتاد؟ مرگ هزاران درخت در پارک‌های جنگلی تهران

پارک‌های جنگلی تهران که قرار بود ریه‌های تنفسی پایتخت باشند، با بحرانی گسترده روبه‌رو شده‌اند. هزاران درخت در چیتگر، سرخه‌حصار و دیگر جنگل‌های دست‌کاشت تهران خشک شده‌اند و بخش بزرگی از درختان باقی‌مانده نیز در معرض نابودی قرار دارند.

گزارش روزنامه «آوش» با استناد به آمارهای رسمی و گفت‌وگو با کارشناسان منابع طبیعی نشان می‌دهد که این بحران تنها پیامد خشکسالی و تغییر اقلیم نیست، بلکه سال‌ها سوءمدیریت، کاهش حقابه، ضعف نظارت بر پیمانکاران و بی‌توجهی به اصول جنگل‌داری در گسترش آن نقش داشته است.



ابعاد بحران در پارک جنگلی چیتگر چشمگیر است. به گفته نقی شعبانیان، معاون سازمان بوستان‌های شهرداری تهران، ۴۱ درصد درختان این پارک کاملاً خشک شده‌اند و ۲۸ درصد دیگر در وضعیت بحرانی قرار دارند.

مرکز رسانه قوه قضاییه نیز در گزارشی از بازدید دادستان تهران از چیتگر اعلام کرده است که ۳۵ هزار درخت در این پارک خشک شده و تاکنون ۲۵ هزار اصله از آن‌ها قطع و از محل خارج شده‌اند. به این ترتیب، نزدیک به ۷۰ درصد درختان چیتگر یا از بین رفته‌اند یا در معرض خطر جدی قرار دارند.

وضعیت دیگر پارک‌های جنگلی تهران نیز نگران‌کننده است. در سرخه‌حصار، به گفته شهردار منطقه ۱۳، طی چند سال گذشته حدود شش هزار درخت بر اثر خشکیدگی و آفت‌زدگی قطع شده‌اند. مسئولان شهری می‌گویند حدود ۳۵ هزار نهال جایگزین کرده‌اند، اما کارشناسان تأکید دارند که کاشت نهال به‌تنهایی نمی‌تواند خسارت نابودی درختان بالغ و کاهش پوشش جنگلی را جبران کند. پارک‌های لویزان، شیان و خرگوش‌دره نیز با درجات مختلفی از خشکیدگی مواجه‌اند.

کاهش شدید حقابه و مسئولیت نهادهای دولتی

تهران ۱۳ پارک جنگلی دارد که بیشتر آن‌ها در دهه‌های گذشته با اجرای طرح‌های جنگل‌کاری ایجاد شده‌اند. مدیریت بسیاری از این پارک‌ها از اواخر دهه ۱۳۶۰ به

شهرداری تهران واگذار شده است، اما مالکیت و مسئولیت نظارت عالیه همچنان بر عهده سازمان منابع طبیعی قرار دارد. تأمین و تخصیص آب نیز به توافق‌های مربوط به حقابه و عملکرد دستگاه‌های مسئول آب وابسته است.

رضا بیانی، مدیرکل منابع طبیعی استان تهران، پیش‌تر اعلام کرده بود که حقابه پارک چیتگر که در گذشته نزدیک به یک مترمکعب در ثانیه بود، در سال ۱۴۰۲ به حدود ۱۰ لیتر در ثانیه کاهش یافت و در مقطع اخیر به حدود ۷۰ لیتر در ثانیه رسید. این کاهش شدید، در کنار افزایش دما و خشکسالی‌های پی‌درپی، فشار سنگینی بر درختان وارد کرده است.

با این حال، کارشناسان معتقدند کمبود آب به‌تنهایی توضیح‌دهنده ابعاد فاجعه نیست. علی بناگر، رئیس اتحادیه انجمن‌های علمی منابع طبیعی و محیط‌زیست ایران، در گفت‌وگو با آوش تأکید کرده است که بحران کنونی حاصل تلاقی چند عامل است: تنش آبی، افزایش دما، ضعف مدیریت جنگل‌داری، تأخیر در عملیات پرورشی، تراکم بالای درختان، انتخاب نامناسب گونه‌ها و گسترش آفات.

به گفته او، اگر پایش سلامت درختان، اصلاح شبکه‌های آبیاری، کنترل آفات و کاهش اصولی تراکم زودتر انجام می‌شد، می‌توانست از دامنه خسارت کاسته شود. بناگر تأکید می‌کند که کیفیت مدیریت تعیین می‌کند خشکسالی تا چه اندازه به بحرانی گسترده تبدیل شود.

پیمانکاران، ضعف نظارت و جنگل‌هایی که رها شدند

وحید اعتماد، عضو هیئت علمی دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران، نیز معتقد است که بخش مهمی از بحران به شیوه اداره پارک‌های جنگلی بازمی‌گردد. به گفته او، بسیاری از جنگل‌کاری‌های تهران در دهه ۱۳۴۰ و با شرایط آبی متفاوتی ایجاد شدند، اما در دهه‌های بعد، عملیات ضروری برای تنظیم تراکم، نگهداری و اصلاح ساختار درختان به‌درستی انجام نشد.

اعتماد به مشکلات قراردادهای پیمانکاری شهرداری اشاره می‌کند و می‌گوید گاه حتی تعداد واقعی درختان یک پارک در قراردادهای نگهداری مشخص نیست. برای نمونه، ممکن است قراردادی بر اساس وجود ۴۰ هزار درخت تنظیم شود، اما پیمانکار در عمل با ۷۰ هزار درخت روبه‌رو باشد. چنین اختلافی بر میزان آب مورد نیاز، فاصله آبیاری و کیفیت نگهداری تأثیر می‌گذارد.

به اعتقاد کارشناسان، مسئولیت این وضعیت تنها متوجه پیمانکاران نیست. شهرداری تهران به‌عنوان متولی نگهداری روزمره، سازمان منابع طبیعی به‌عنوان نهاد ناظر و دستگاه‌های مسئول تأمین آب، هر یک در قبال وضعیت پارک‌های جنگلی مسئولیت دارند.

وعده استفاده از پساب و ضرورت نجات درختان باقی‌مانده

یکی از راهکارهای مطرح‌شده برای کاهش بحران، استفاده از پساب تصفیه‌شده به‌جای آب چاه است. علیرضا زاکانی، شهردار تهران، در سال‌های نخست مدیریت خود وعده داده بود که تا سال ۱۴۱۰ آبیاری تمام بوستان‌ها و پارک‌های جنگلی تهران با پساب تصفیه‌شده انجام شود. با این حال، بر اساس آمارهای رسمی مورد اشاره در گزارش آوش، سهم پساب در آبیاری درختان پایتخت همچنان کمتر از ۳۰ درصد است.

کارشناسان منابع طبیعی خواستار تکمیل زیرساخت‌های تصفیه و انتقال پساب، اصلاح شبکه‌های آبیاری، استفاده از گونه‌های سازگار با اقلیم تهران و مدیریت علمی تراکم درختان هستند. به گفته آنان، برای درختانی که هنوز زنده‌اند اما در آستانه خشکیدگی قرار دارند، حتی اقدام‌های اضطراری مانند آبرسانی با تانکر می‌تواند ضروری باشد.

گزارش آوش تأکید می‌کند که بحران پارک‌های جنگلی تهران حاصل یک سال یا یک دوره مدیریتی نیست، بلکه نتیجه انباشت مشکلات در چند دهه گذشته است.

در شرایطی که هزاران درخت بالغ از بین رفته‌اند، مسئله اصلی اکنون نجات درختان باقی‌مانده و اصلاح ساختار مدیریتی است؛ پیش از آنکه شمار بیشتری از درختان پارک‌های جنگلی پایتخت نیز به سرنوشت چیتگر دچار شوند.

منبع: اخبارروز

بولتن محیط زیست



Enviromental Bulletin

دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵ | شماره ۸۵ | October 26. 2026-No 85

واکاوی انتقادی اقتصاد، عدالت و اکولوژی در گفتگو با شهرام اتفاق؛

پشت پرده‌ی بحران‌های اقلیمی؛ محدودیت‌های فناورانه یا اتهامات سرمایه‌داری؟



مهتاب دمیرچی

در حالی که جریان‌های چپ‌گرا نجات زمین را در مهار رشد صنعتی و دگرگونی طبقاتی می‌دانند، اقتصاددانان بازار بر نقش گره‌گشای نوآوری فناورانه تأکید دارند. در گفتگوی با شهرام اتفاق، نویسنده‌ی کتاب «طبقه و محیطزیست» و پژوهشگر در حوزه اقتصاد محیطزیست، دعاوی رویکرد طبقاتی به چالش کشیده و ریشه‌های واقعی بحران‌های اقلیمی بررسی شد.

به گزارش سرویس علم **خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)** در دهه‌های اخیر، گفتمان مسلط در جنبش‌ها و محافل آکادمیک محیطزیستی، بحران‌های اقلیمی و فرسایش بوم‌شناختی زمین را مستقیماً به سازوکار بازار آزاد، منطق انباشت سرمایه و الگوی مصرف‌گرایی نسبت داده است. رویکرد طبقاتی با تاکید بر توزیع نابرابر هزینه‌های زیست‌محیطی، سرمایه‌داری را متهم اصلی و طبقات فرودست را قربانیان بی‌تقصیر این وضعیت معرفی می‌کند. در مقابل، شهرام اتفاق در کتاب «طبقه و محیطزیست»که از سوی نشر آماره منتشر شده است و آثار دیگر خود، با نقد این چارچوب نظری، استدلال می‌کند که ریشه‌ی تخریب طبیعت نه در سودمحوری بازار، بلکه در ناآگاهی تاریخی بشر نسبت به پیامدهای انتشار آلاینده‌ها، ناکارآمدی حقوقی و تحلیل‌های نامنسجم نهفته است. در گفتگوی پیش‌رو، مبانی نظری محدودیت منابع، ابهام مفهومی مصرف‌گرایی، ناکارآمدی مفهوم طبقه‌ی کارگر و نقش دولت‌ها در سوءاستفاده سیاسی از بحران‌های اقلیمی به بحث گذاشته شده است.

با توجه به اهمیت موضوع در بحث مناقشه اقتصاد و محیطزیست این گفتگو شامل دو بخش است که بخش نخست این آن را در ادامه می‌خوانید؛

همواره یک تعارض ریشه‌ای میان رشد تولید و محدودیت‌های تکنولوژیک وجود داشته است. از سویی با توجه به اینکه امروز علم محیطزیست به ما می‌گوید که ریشه اصلی بحران‌های اقلیمی، دقیقاً ایده رشد نامحدود صنعتی و مصرف منابع یعنی تولید بیشتر و مصرف‌گرایی است، آیا نقد شما به نظریه طبقاتی در حوزه محیطزیست از این زاویه است که این دیدگاه، محدودیت‌های قطعی و طبیعی زمین مثل آب، خاک و ظرفیت زیستی را کاملاً نادیده گرفته است؟

من با تک‌تک پیش‌فرض‌های مندرج در پرسش شما مخالفم. در واقع پیش‌فرض‌های نهفته در پرسش شما ریشه بروز مجموعه‌ای از سوءتفاهمات است.

نخست اینکه هیچ تعارض ریشه‌ای میان رشد تولید و محدودیت‌های تکنولوژیک وجود ندارد. در واقع این محدودیت‌ها کاملا ذهنی هستند. عصر حجر یا همان عصر سنگ به این دلیل تمام نشد که موجودی سنگ به اتمام رسید. پیش از آن‌که تمامی سنگ‌های روی زمین توسط انسان‌های اولیه مبدل به تبر سنگی، نیزه سنگی و چاقوی سنگی بشود، انسان‌ها فلز را کشف کردند و وارد عصر مفرغ شدند.

همچنان‌که به تفصیل در کتاب دیگرم به نام اقتصاد سیاسی محیطزیست نوشته‌ام، در حوالی سال‌های ۱۸۲۰ تا ۱۸۳۰، مقدار کود طبیعی موجود نمی‌توانست جوابگوی کشاورزی رو به رشد اروپا باشد و پیش‌بینی می‌شد که کاهش بارآوری زمین به دلیل از دست دادن مواد مغذی خاک، به افول کشاورزی و قحطی منجر شود. اندکی بعد اولین نمونه کودهای شیمیایی وارد بازار شدند و صنعت کشاورزی را برای همیشه متحول کردند.

بحران بعدی مربوط به دهه ۱۸۹۰ بود. در کتابم این ماجرا را چنین شرح داده‌ام؛ تردد ۱۱ هزار کالسکه اسبی، چند هزار اتوبوس اسب‌کش که هر کدام به ۱۲ اسب در روز نیاز داشتند و در مجموع تردد سرسام‌آور ۵۰ هزار اسب در شهر لندن، تجمع حجم عظیمی از

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵ شماره ۸۵ October 26. 2026-No 85

فضولات این حیوانات را در خیابان‌های شهر در پی داشت. از هر اسب به طور متوسط، در هر روز معادل ۷ تا ۱۶ کیلو، یعنی ۱۵ تا ۳۵ پوند، مدفوع و یک لیتر، معادل ۲ پینت، ادرار خارج می‌شد و این حجم عظیم فضولات موجب نگرانی محیط‌زیستی فزاینده‌ای بود. به توصیف جانسون، به طور متوسط هر اسب بارکش سه سال عمر مفید داشت و نگرانی دیگر، ساماندهی لاشه این حیوانات در داخل و حومه شهر لندن پس از مرگ بود. جانسون با توجه به تیتر برخی از روزنامه‌های آن دوران لندن چنین نقل می‌کند: در طول ۵۰ سال آینده، هر یک از خیابان‌های لندن زیر ۳ متر کود دفن خواهد شد.

اما پنج سال بعد، نخستین خودروهای شرکت‌های بنز و فورد وارد خیابان‌های اروپا و آمریکا شدند و پیش از مدفون شدن اروپا زیر مدفوع اسب‌ها، ترددهای شهری با اسب برای همیشه خاتمه یافت. بنابراین باور به محدودیت منابع، یک تصور ذهنی بر مبنای مفروضات کنونی از تکنولوژی امروز است. البته و بی‌تردید این اصل، به شرحی که بعداً خواهم داد، به‌منزله این نیست که ما نباید نگران منابع تجدیدناپذیری مانند جنگل‌ها و نظایر آن‌ها باشیم.

مورد دوم درباره واژه مصرف‌گرایی است. این واژه از ابداعات چپ است و معنای آن روشن نیست. آیا منظور این است که مقدار مشخصی از مصرف، مجاز است و بیش از آن مقدار، مصرف‌گرایی تلقی می‌شود؟ این مقدار مجاز مصرف را چه کسی تعیین می‌کند؟ دولت؟ نهادهای دینی؟ من صد برابر هر انسان عادی کتاب مصرف می‌کنم؛ آیا این غیرمجاز است؟ هر نفر اجازه دارد چند جفت کفش داشته باشد؟ خوردن چند عدد نان در طول هفته عادی تلقی می‌شود؟ همان‌طور که مشهود است هیچ پاسخ قانع‌کننده و قابل‌دفاعی برای این پرسش‌ها وجود ندارد.

مبرهن است که پدیده اسراف امری مذموم است. اسراف عبارت است از تضییع و اتلاف کالاها و خدماتی که مصرف آن‌ها مقدار رفاه یا مطلوبیّت شما را اضافه نمی‌کند. فرض کنید شما تنها در خانه هستید و قرار است چند ساعتی در آشپزخانه کار کنید؛ در این صورت روشن بودن لامپ روشنایی حمام، صرفا به تضییع و اتلاف انرژی برق و کاهش عمر مفید لامپ منجر می‌شود، اما مددکار شما نیست. اما مراد از مصرف‌گرایی، اسراف نیست. مصرف‌گرایی اشاره به حد معقولی از مصرف دارد و پیش‌فرض نادرستش این است که می‌توان چنین حدی را برای انسان‌های ساکن روی سیاره زمین تعریف کرد.

نکته سوم این است که این ادعا نیز صحیح نیست که ریشه اصلی بحران‌های اقلیمی، رشد نامحدود صنعتی و مصرف منابع است. اجازه بدهید این موضوع را با پدیده لایه ازون توضیح بدهم. ایجاد حفره‌ای در لایه ازون، موضوع نگرانی در دهه‌های پایانی قرن بیستم بود. دانشمندان کشف کردند که تخریب لایه‌ای از اتمسفر که حاوی گاز ازون یا همان O3 است، جذب اشعه زیان‌آور ماوراء بنفش یا UV-B را مختل می‌کند. آن‌ها دریافتند که عامل تخریب این لایه، استفاده از گازهای کلروفلوئوروکربن، مشهور به CFC ، در صنعت یخچال‌سازی و بخش‌های دیگر است. پس از این کشف، معاهدات بین‌المللی میان کشورهای سراسر جهان سبب شد تا استفاده از کلروفلوئوروکربن‌ها ممنوع شود و اندکی بعد، لایه ازون ترمیم شد. ریشه اصلی بحران لایه ازون، رشد نامحدود صنعت یخچال‌سازی یا مصرف منابع کلروفلوئوروکربن‌ها نبود؛ بلکه وقوع این بحران ناشی از عدم آگاهی بشر درباره این پدیده طبیعی بود. راهکار حل مسئله هم کاهش تولید یخچال نبود، بلکه این مشکل با جایگزینی یک فناوری دیگر حل‌وفصل شد.

گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی هم داستان مشابهی دارد. انقلاب صنعتی و تولید انبوه کالاها سبب ارزان شدن کالاها و افزایش رفاه مردم شد. توماس پیکتی به عنوان یک متفکر چپ و منتقد نظام بازار درباره این رفاه می‌گوید: در سال‌های ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ در فرانسه قیمت ارزان‌ترین مدل موجود دوچرخه در کاتالوگ‌های فروش و اسناد تجاری، معادل دست‌مزد شش ماه یک کارگر متوسط بود. در سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ قیمت دوچرخه به معادل کم‌تر از یک ماه دست‌مزد متوسط آن کارگر تنزل یافته بود و در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ می‌توانستی دوچرخه‌هایی با کیفیت خوب را به قیمتی معادل کم‌تر از دست‌مزد متوسط یک هفته خریداری کنی. در مجموع و حتی با صرف‌نظر کردن از بهبود شگفت‌آوری که در کیفیت و ایمنی این کالا حاصل شده است، قدرت خرید بر حسب دوچرخه بین سال‌های ۱۸۹۰ تا ۱۹۷۰ با ضریب چهل افزایش یافته، یعنی چهل برابر شده است.

اما در قرن نوزدهم و بیستم، تولیدکنندگان دوچرخه نمی‌دانستند که انتشار کربن چه عواقبی دارد. رابطه انتشار کربن با افزایش گرمایش زمین در اواخر قرن بیستم آشکار شد. سپس این تئوری مطرح شد که ازدیاد گرمایش زمین می‌تواند سبب بحران‌های اقلیمی شود. بنابراین در این مورد نیز ریشه اصلی بحران، تولید زیاد دوچرخه نبود، بلکه عدم آگاهی بشر در بدو امر عامل بروز این پدیده طبیعی بود. اکنون نیز راه‌حل،

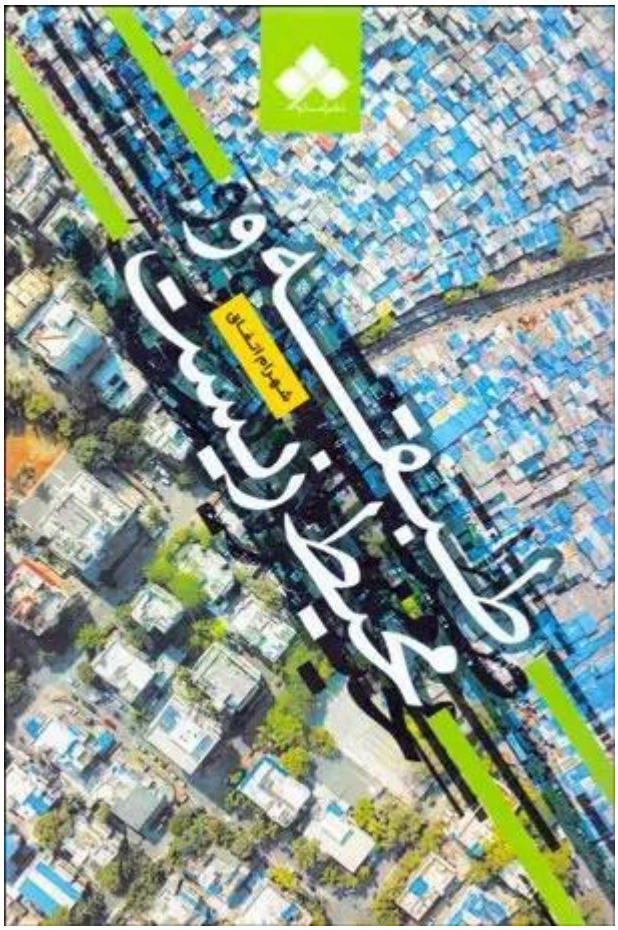
Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵ شماره ۸۵ October 26. 2026-No 85

توقف تولید دوچرخه نیست، بلکه باید مقدار انتشار کربن کنترل شده و کاهش یابد.



طرفداران رویکرد طبقاتی می‌گویند فرودستان کمترین سهم را در تولید آلودگی و ردپای کربن دارند، اما نخستین قربانیان خشکسالی، آلودگی هوا و سیلاب‌ها همین طبقه هستند. شما در فصل چهارم اشاره کرده‌اید که دعاوی طبقاتی محیطزیستی اغلب مستمسکی سیاسی می‌شوند و در واقع کسی دلش نسوخته است. اگر لنز طبقاتی را برای تحلیل این بحران‌ها ناکارآمد بدانیم، چگونه باید این واقعیت ملموس و عینی را توضیح داد که هزینه‌ها و خطرات زیست‌محیطی به‌شدت نامتعادل و ناعادلانه در جامعه توزیع می‌شود؟

همه مصرف‌کنندگان کالاها در هر طبقه اجتماعی، در انتشار کربن سهم دارند. تفاوتی نمی‌کند که تولیدکننده دوچرخه، پنیر یا کفش، یک سرمایه‌دار خصوصی باشد، یا یک تعاونی متعلق به کارگران یا یک دولت سوسیالیستی. هر کسی دوچرخه، پنیر یا کفش مصرف کند، سهمی در انتشار کربن دارد. اگر با ذهنیت مارکسیستی به تولید کالا بنگریم، تصور می‌کنیم که عامل انتشار کربن پی‌جویی سود است و فراموش می‌کنیم که کالاها برای مصرف‌کنندگان تولید می‌شوند.

در اغلب جوامع، طبقه کارگر به عنوان عامل نجات و تحول اجتماعی معرفی می‌شود. اما در عمل، وقتی صحبت از بستن معادن آلاینده یا تغییر صنایع فسیلی به انرژی‌های پاک می‌شود، معمولاً اتحادیه‌های کارگری و کارگران این بخش‌ها نگران از دست رفتن معیشت خود هستند و مقاومت می‌کنند. وقتی منافع کوتاه‌مدت معیشتی کارگران در تضاد مستقیم با حفاظت از محیطزیست قرار می‌گیرد، تکلیف آن جایگاه نجات‌بخش طبقه کارگر چه می‌شود؟

اول اجازه بفرمایید تا بحران واژه‌ها و تعابیر را حل کنیم و بعد به سراغ یافتن پاسخی برای پرسش مهم شما برویم. به شرح مبسوطی که در کتاب داده‌ام، تاریخ مصرف عبارت ترکیبی طبقه کارگر و ایده جایگاه نجات‌بخش آن تمام شده است؛ به این دلیل ساده که اساساً تعریف قرن بیستمی طبقه کارگر منسوخ شده است. در اندیشه مارکس، طبقه کارگر به کسی گفته می‌شد که مالک ابزار تولید نیست. بر اساس همان تعریف، مدیرعامل شرکت اوبر طبقه کارگر یا پرولتاریا محسوب می‌شود، چرا که مالک ابزار تولید نیست و تنها یک کارمند است؛ اما بر اساس تعریف مارکس رانندگان اوبر مالک ابزار تولید خودشان، یعنی تاکسی‌های اوبر هستند و سرمایه‌دار محسوب می‌شوند. با این حال درآمد سالانه مدیرعامل شرکت اوبر ۱۰۰ برابر رانندگان اوبر است. بنابراین طبقه کارگر عبارت ترکیبی نامفهومی است. در اقتصاد جدید، ما از دهک‌های درآمدی صحبت می‌کنیم و دهک‌های درآمدی پایین می‌توانند مترادف طبقات اجتماعی فرودست، و نه طبقه کارگر، تلقی شوند.

دوم اینکه تمامی مصرف‌کنندگان کالاها و خدمات و همه کارکنان شاغل در واحدهای تولید و عرضه آن کالاها و خدمات، متعلق به همه دهک‌ها، در انتشار کربن یا سایر شقوق تخریب محیطزیست نقش و سهم دارند. انبوه زباله‌های پلاستیکی رها شده در دریاها و جنگل‌ها، متعلق به یک دهک درآمدی به‌خصوص نیست.

سوم اینکه تولید پنل‌های انرژی خورشیدی یا باتری خودروی برقی هم سبب انتشار کربن می‌شود.

چهارم اینکه فقط سرمایه‌داران از تولید سوخت فسیلی سود نمی‌برند؛ مسواک‌های پلاستیکی که همه دهک‌های درآمدی هر روز از آن استفاده می‌کنند نیز از همین سوخت فسیلی تولید می‌شود.

بسیاری از منتقدان، ریشه نابودی محیطزیست را سودمحوری در بازار آزاد و سرمایه‌داری می‌دانند. اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد فجایع بزرگ زیست‌محیطی مثل خشکیدن دریاچه آرال یا آلودگی‌های گسترده در شوروی سابق و اروپای شرقی، در نظام‌هایی رخ داد که مالکیت خصوصی بر ابزار تولید لغو شده بود. به نظر شما آیا می‌توان نتیجه گرفت که تخریب طبیعت ربطی به ساختار طبقاتی و سرمایه‌داری ندارد، بلکه به خطاهای تصمیم‌گیری و فقدان حقوق شفاف در اقتصادهای دستوری برمی‌گردد؟

حل مشکلات محیطزیستی مستلزم پیمودن چند گام مهم است. در گام اول، آگاهی عمومی مطرح است؛ مردم باید آگاه بشوند که تخریب محیطزیست در یک چرخه نامرئی و ناپیدا، دست‌آخر به زندگی خودشان آسیب می‌زند. در گام بعد، مطابق تئوری کوزنتس، افزایش درآمد سرانه سبب می‌شود که تمایل به برخورداری از محیطزیستی با کیفیت بالاتر شکل بگیرد و افزایش درآمد سرانه نیز مستلزم تولید بیشتر است. در نهایت، وجود یک نظام حقوقی کارآمد، سهمی بسیار مهم و حیاتی در صیانت از محیطزیست دارد.

شما در فصل چهارم کتاب طبقه و محیطزیست با بررسی پرونده‌هایی مثل بودجه کربن، اشاره می‌کنید که محیطزیست گاهی به ابزاری برای بازی‌های سیاسی بدل شده است. منظور شما مشخصاً چه نوع جریان‌هایی است؟ آیا معتقدید برخی سیاستمداران و دیوان‌سالاران، پشت شعارهای حمایت از محیطزیست و نابرابری، صرفاً به دنبال اعمال مالیات‌های جدید، گسترش دخالت دولت در زندگی مردم و بازتوزیع منابع به نفع گروه‌های خاص هستند؟

من در تأسی از نظریه پابلیک چویس یا انتخاب عمومی، صدق فرضیه بی‌طرفی و خیرخواهی دولت را پیشاپیش مردود می‌دانم و دولت را جایی فرض می‌کنم که برآیند نیروها در آن صفر نیست. سیاستمداران را افرادی می‌پندارم که همچون فعالان اقتصادی در حال پی‌گیری منافع و تحقق اهداف خودشان هستند. سیاستمداران نه از سر خیرخواهی، بلکه برای پیروزی در انتخابات، گاهی مدافع و گاهی مخالف محیطزیست می‌شوند.

آنچه خواندید، بخش اول از گفتگوی **ایبنا** با شهرام اتفاق بود. از آنجا که مناقشه‌ی بنیادین مطرح‌شده در پرسش نخست، به‌ویژه مسئله‌ی محدودیت یا عدم محدودیت منابع زمین، امکان گره‌گشایی از بحران‌های اقلیمی با تکیه بر نوآوری فناورانه و تعریف دقیق پدیده‌ی مصرف‌گرایی از اهمیت تئوریک و وزن تحلیلی ویژه‌ای برخوردار است و بنیان‌های فکریِ هر دو رویکرد را به چالش می‌کشد، این مبحث نیازمند واکاوی عمیق‌تر و جزئی‌نگرانه‌تری است. از این رو، ادامه‌ی این بحث و بسط استدلال‌های دو طرف، در قالب مصاحبه‌ای مجزا و مستقل به‌زودی منتشر خواهد شد.

منبع: خبرگزاری کتاب ایران – ایبنا

پاییز زیبا در ایران





Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

October 26. 2026-No 85 شماره ۸۵ دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵

اخبار محیط زیست جهان

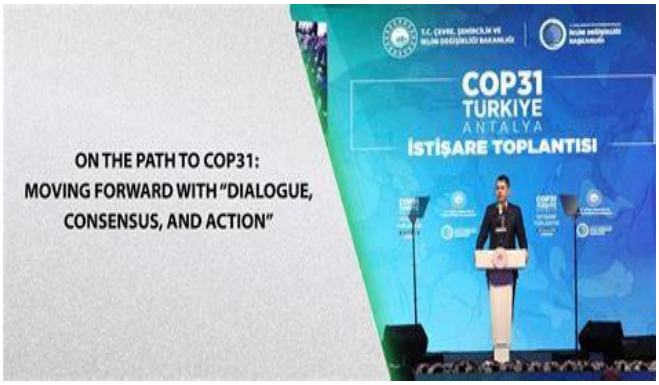
آزمایش لجن رودخانه‌ای برای مهار CO_2 از تورب‌زارهای آلمان بدون تعطیلی کشاورزی



پژوهشگران ایالت نیدرزاکسن آلمان در پروژه‌ای ۲,۵ میلیون یورویی (NewGreenCover) ، در حال تست پوشش‌دهی تورب‌زارهای خشک‌شده با لجن لای‌روبی‌شده رودخانه‌ها هستند. این لایه رسوبی متراکم با جلوگیری از ورود اکسیژن، مانع انتشار ۱۸ درصدی دی‌اکسید کربن حاصل از تجزیه خاک می‌شود؛ در حالی که امکان ادامه استفاده از زمین به عنوان چراگاه را برای کشاورزان حفظ می‌کند .

منبع: کانال تی وی .NDR

کوروم: نشست «کاپ ۳۱» در آنتالیا آغازگر دوره‌ای جدید از همکاری‌های اقلیمی خواهد بود



وزیر محیط زیست، شهرسازی و تغییرات اقلیمی ترکیه خواستار اقدامات چندجانبه قوی‌تر، سرمایه‌گذاری در انرژی پاک و تحقق تعهدات مالی اقلیمی پیش از نشست در ماه نوامبر شد.

مراد کوروم،وزیر محیط زیست، شهرسازی و تغییرات اقلیمی ترکیه، اعلام کرد نشست اقلیمی «کاپ ۳۱» که در آنتالیا برگزار می‌شود، شروع یک دوره جدید از همکاری و مشارکت جهانی است. او تأکید کرد که در این نشست از روشی استفاده می‌شود که همه کشورها در آن سهم داشته باشند و منافع هیچ کشوری نادیده گرفته نشود.

کوروم روز سه‌شنبه در سخنرانی خود در افتتاحیه هفدهمین گفتگوی اقلیمی پترزبورگ که در برلین برگزار شد، به بحران‌های جهانی و وضعیت اضطراری آب‌وهوا اشاره کرد و گفت کشورها باید با هم همکاری کنند و روی انرژی‌های جایگزین سرمایه‌گذاری نمایند. او گفت مشکلات اخیر در عرضه انرژی نشان داد که سوخت‌های فسیلی (مثل نفت و گاز) نمی‌توانند امنیت انرژی را تضمین کنند؛ بنابراین باید به سراغ منابع مختلف رفت و سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک را برای رسیدن به ثبات بیشتر کرد.

پیشتاز در انرژی پاک و ذخیره‌سازی

کوروم خاطرنشان کرد که ترکیه طی یک دهه گذشته تولید انرژی‌های تجدیدپذیر خود را سه برابر کرده و از سال ۲۰۲۲ تاکنون بیش از ۱۰ میلیارد دلار سرمایه در این بخش جذب کرده است؛ ضمن آنکه هدف‌گذاری شده تا سال ۲۰۳۰، بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار دیگر به این رقم افزوده شود.
او افزود که تا سال ۲۰۳۵، سالانه دست‌کم ۸ گیگاوات به ظرفیت انرژی‌های تجدیدپذیر کشور اضافه خواهد شد. او همچنین تأکید کرد که ترکیه از زمان بحران انرژی در سال ۲۰۲۲، بیش از مجموع تمامی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، ظرفیت ذخیره‌سازی انرژی را به تصویب رسانده است.

وزیر محیط زیست، شهرسازی و تغییرات اقلیمی ترکیه به عنوان رئیس نشست «کاپ ۳۱» تصریح کرد که ترکیه با هدف نهادینه‌سازی این فرآیند، در پی برگزاری

اجلاسی «نتیجه‌محور» بر پایه سه رکن گفت‌وگو، مصالحه و اقدام است.

وی در تشریح نقشه راه خود، ۹ حوزه اولویت‌دار را برشمرد که از مدیریت «زباله صفر و اقتصاد چرخشی» و «تأمین انرژی پاک و پایدار» آغاز شده و با عبور از «کربن‌زدایی صنعتی» و «رقابت‌پذیری پایدار»، محورهایی همچون «حفاظت از اقیانوس‌ها و اکوسیستم‌ها»، «امنیت غذایی»، «کشاورزیِ تاب‌آور»، «توسعه شهرهای مقاوم در برابر اقلیم» و در نهایت «مشارکت فعال جوانان» را در بر می‌گیرد.

شکاف در تأمین مالی اقلیمی

کوروم با خطاب قرار دادن کشورهای توسعه‌یافته، بر ضرورت پایبندی آن‌ها به تعهدات مالیِ اقلیمی تأکید کرد. وی خواستار تقویت حمایت‌ها از «صندوق سبز اقلیم» و «صندوق پاسخگویی به خسارت و زیان» شد و از تمامی ذی‌نفعان خواست تا سیاست‌های خود را با نقشه راه ۱.۳ تریلیون دلاریِ «باکو به بلم» تطبیق دهند.

وی اظهار داشت که ترکیه و استرالیا درباره «کاپ ۳۱» دیدگاهی مشترک دارند و افزود که آنتالیا میزبان نشستی خواهد بود که هدف آن تقویت همکاری‌های گسترده و فراگیر است. کوروم گفت: میان ترکیه و استرالیا برای کسب موفقیت، دیدگاهی مشترک وجود دارد. ما دیدگاه‌ها، توانمندی‌ها و روابط متفاوت خود را در خدمت کاپ ۳۱ گرد هم می‌آوریم. ما باور داریم تنها چیزی که میان ما قابل تغییر نیست، اختلاف ساعت است.

پیوند تاب‌آوری اقلیمی با مدیریت بلایای واقعی

کوروم همچنین بر نقش ترکیه به عنوان یک «تسهیل‌گر سازنده» در بحران‌های ژئوپلیتیک تحت رهبری رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، تأکید کرد و گفت همین رویکرد هدایت‌گر روند «کاپ ۳۱» خواهد بود. وی خاطرنشان کرد که بحران‌ها همواره وجود خواهند داشت و کشورها باید ضمن تأمین نیازهای انرژی خود از منابع پاک، به خودکفایی برسند.

وی با اشاره به موفقیت ترکیه در کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، تصریح کرد که در حال حاضر نزدیک به ۶۰ درصد از ظرفیت نیروگاهی این کشور به منابع تجدیدپذیر متکی است. وی بار دیگر بر پایبندی آنکارا به هدف «آلایندگی صفر» تا سال ۲۰۵۳ تحت رهبری رئیس‌جمهور اردوغان تأکید کرد.

وزیر محیط زیست، شهرسازی و تغییرات اقلیمی ترکیه همچنین با یادآوری نوسازی ۴۵۵ هزار واحد مسکونیِ مقاوم در برابر تغییرات اقلیمی طی دو سال پس از زلزله‌های فوریه ۲۰۲۳، بر ضرورت توسعه شهرهای تاب‌آور تأکید ورزید و خواستار اشتراک‌گذاری این تجربیات در سطح بین‌المللی شد. او در نهایت، توجه به پیامدهای فزاینده اقلیمی و ارتقای آگاهی عمومی، به‌ویژه در میان نسل جوان را یک ضرورت دانست.

کوروم در ادامه گفت ترکیه ریاست «کاپ ۳۱» را بر عهده دارد، در حالی که استرالیا هدایت مذاکرات را انجام می‌دهد؛ هر دو طرف در این روند هماهنگی نزدیکی دارند و تصمیم‌ها در تمام مراحل با همکاری کامل اتخاذ می‌شود. وی ضمن دعوت از تمامی کشورها برای شرکت در این نشست که قرار است ۹ تا ۲۰ نوامبر در آنتالیا برگزار شود، گفت اگر این گردهمایی موفق باشد، می‌تواند به نقطه عطفی برای ایجاد یک نظم جهانیِ فراگیرتر و کارآمدتر تبدیل شود.

انتظار می‌رود نشست «کاپ ۳۱» نمایندگانی از حدود ۱۹۷ کشور را گرد هم آورد تا تلاش‌ها برای محدود کردن گرمایش جهانی، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و اجرای اهداف توافق‌نامه پاریس را به پیش ببرند.

منبع: TRT

از سیل تا خشکسالی؛ پنج پیامد ال‌نینو بر آب‌وهوای جهان

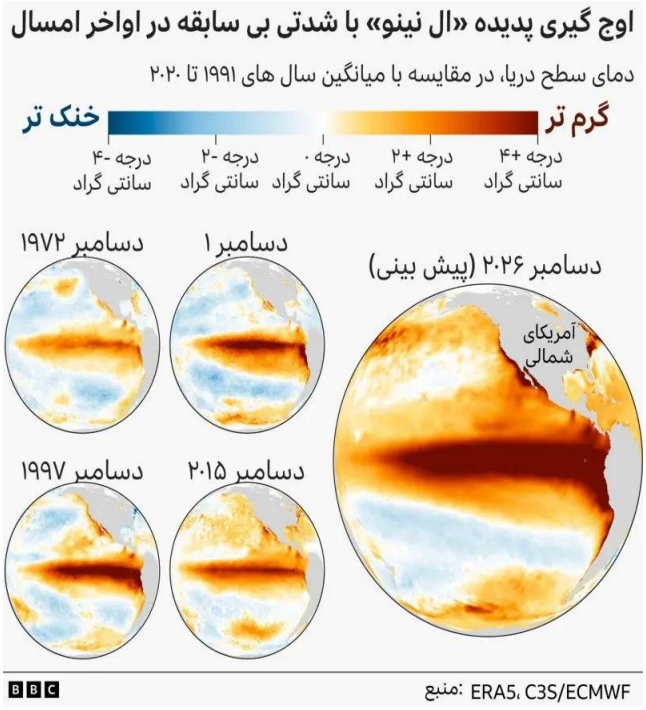


با تشدید تدریجی پدیده الـنینو در ماه‌های اخیر، نشانه‌های تاثیر آن بر آب‌وهوای جهان بیش از پیش نمایان شده است.

کشورهایی از جمله اندونزی، هند و آمریکا با خشکسالی، سیلاب و موج‌های گرما روبه‌رو شده‌اند؛ رخدادهایی که با پیش‌بینی‌ها درباره تشدید پدیده‌های شدید جوی در اثر الـنینو همخوانی دارند.

سازمان جهانی هواشناسی می‌گوید الـنینوی کنونی، که از نیرومندترین نمونه‌های ثبت‌شده به شمار می‌رود، باز هم تقویت خواهد شد و دست‌کم تا سال ۲۰۲۷ ادامه خواهد داشت.

در ادامه، به پنج نمونه از تاثیرات آن که هم‌اکنون در نقاط مختلف جهان مشاهده می‌شود، اشاره می‌کنیم.



اندونزی با بدترین فصل آتش‌سوزی از سال ۲۰۱۵ روبه‌روست

اندونزی که معمولا در سال‌های الـنینو شرایطی خشک‌تر و گرم‌تر را تجربه می‌کند، اکنون با بدترین فصل آتش‌سوزی‌های جنگلی خود از سال ۲۰۱۵ مواجه است.

از ابتدای سال جاری تاکنون، دست‌کم ۸۹۵ هزار و ۶۵۷ هکتار زمین در آتش سوخته است.

این رقم بیش از دو برابر مساحت سوخته‌شده در سال گذشته است؛ سالی که الـنینو بر شرایط آب‌وهوایی تاثیر نداشت. این آتش‌سوزی‌ها سبب تعطیلی مدارس و افزایش شمار بستری‌شدگان در بیمارستان‌های سراسر اندونزی شده‌اند.

میلیون‌ها نفر در سوماترا و کالیمانتان در معرض مه سمی ناشی از آتش‌سوزی‌ها قرار گرفته‌اند و حدود ۱۷۵ هزار نفر به بیماری‌های تنفسی مبتلا شده‌اند.

بیش از ۴۰ هزار مورد از این بیماری‌ها، از سرفه گرفته تا برونشیت و بیماری‌های جدی‌تری مانند ذات‌الریه، در کودکان خردسال مشاهده شده است.

شرق اقیانوس آرام به کانون طوفان‌های سهمگین تبدیل شده است

در شرق اقیانوس آرام، جایی که الـنینو معمولا فعالیت طوفان‌های گرمسیری را تقویت می‌کند، فصل طوفان‌ها تاکنون بسیار پرتحرک بوده است.

تاکنون ۲۲ طوفان نام‌گذاری‌شده و ۱۲ توفند (هاریکن) ثبت شده است که از میان آنها، ۱۰ مورد در رده توفندهای شدید قرار داشته‌اند.

این تعداد از کل میانگین طوفان‌هایی که معمولا در طول یک فصل کامل شکل می‌گیرند بیشتر است؛ آن هم در شرایطی که هنوز دو ماه تا پایان فصل باقی مانده است.

در این منطقه، الـنینو با افزایش دمای آب اقیانوس و کاهش شدت بادها در لایه‌های بالایی جو، شرایط لازم را برای تقویت طوفان‌ها فراهم می‌کند.

طوفان پولو یکی از نمونه‌های این وضعیت است. این طوفان به‌سرعت تشدید شد و تندبادهایی با سرعت ۲۸۵ کیلومتر در ساعت ایجاد کرد که از آب‌های بسیار گرم ناشی از الـنینو تغذیه می‌کردند.

پولو همچنین یکی از سه طوفانی بود که همزمان همراه با اودالیس و نولو در یک حوضه اقیانوسی در حال چرخش بودند.

Enviromental Bulletin

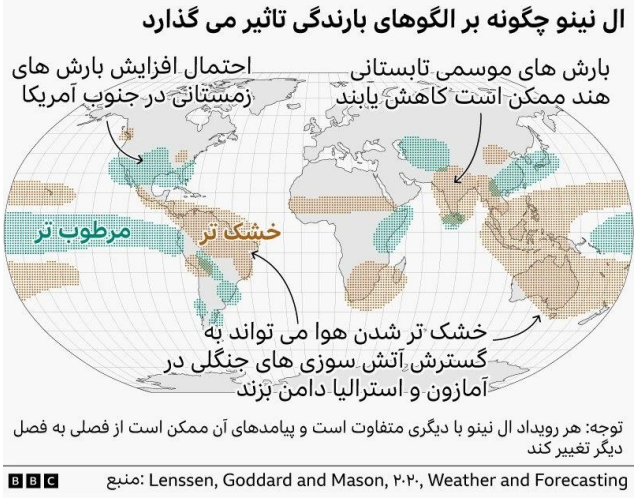


بولتن محیط زیست

October 26. 2026-No 85 شماره ۸۵ دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵

علاوه بر این، چنین اتفاقی طی یک ماه، دو بار رخ داده است. اوایل سپتامبر نیز گرمای استثنایی آب‌های اقیانوس باعث شکل‌گیری همزمان سه طوفان دریایی در بخش مرکزی و شرقی اقیانوس آرام شد: لوول، کارینا و ماری.

پیش از امسال، آخرین باری که سه طوفان دریایی همزمان در اقیانوس آرام فعال بودند، سال ۲۰۱۵ بود.



فصل توفندها در اقیانوس اطلس به شکلی غیرعادی آرام مانده است

در مقابل، اقیانوس اطلس امسال به شکل غیرعادی آرام بوده است.

الـنینو معمولا باعث افزایش «برش باد» در شمال اقیانوس اطلس می‌شود؛ عاملی که طوفان‌ها را از هم می‌پاشد و شکل‌گیری آنها را محدود می‌کند.

تنها یک طوفان دریایی، ایزایاس، به سواحل فلوریدا پنهندل و آلاباما رسیده است.

این دیرهنگام‌ترین طوفان دریایی ثبت‌شده در عصر ماهواره‌ای (از دهه ۱۹۶۰ تاکنون) بوده است.

پیش از این، رکورد زودترین زمان ثبت‌شده ۱۱ سپتامبر بود که در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۱۳ به ثبت رسیده بود.

در یک فصل عادی، تا این مقطع از سال معمولا حدود ۱۰ طوفان نام‌گذاری‌شده، پنج توفند و دو توفند شدید ثبت می‌شد.

اما امسال تنها هشت طوفان گرمسیری ثبت شده‌اند: آرتور، برتا، کریستوبال، دالی، ادوارد، فی، گونزالو و هانا.

کاهش بارش‌های موسمی، کشاورزی هند را تهدید می‌کند

الگوی آب‌وهوایی خشک‌تر و گرم‌تر در هند نیز مشاهده شده است؛ جایی که بارندگی حیاتی فصل موسمی ۱۳ درصد کمتر از میانگین بوده است.

اگرچه اداره هواشناسی هند این وضعیت را همچنان در محدوده «عادی» طبقه‌بندی می‌کند، اما میانگین کلی تفاوت‌های قابل‌توجه بارش در مناطق مختلف هند را نشان نمی‌دهد.

در حالی که بخش مرکزی هند بارشی نزدیک به حد معمول داشته، مناطق شرقی و شمال‌شرقی حدود ۲۶ درصد کمتر از میانگین بارندگی دریافت کرده‌اند و در وضعیت «خشکسالی استثنایی» قرار گرفته‌اند.

ایالت‌های جنوبی هند نیز ۲۴ درصد خشک‌تر از میانگین بوده‌اند.

حتی در مناطقی که بارندگی نزدیک به حد طبیعی بوده، باران‌ها به‌طور پیوسته مانند یک فصل موسمی معمولی نباریده‌اند و آب‌وهوا میان دوره‌های طولانی خشکی و بارش‌های شدید در نوسان بوده است.

این وضعیت فشار بیشتری بر محصولات کشاورزی وارد می‌کند و آسیب‌پذیری آنها را افزایش می‌دهد.

هند تحت تاثیر مجموعه‌ای از الگوهای مختلف جوی قرار دارد که می‌توانند بر فصل موسمی اثر بگذارند؛ از این رو دانشمندان بر این باورند که الـنینو تنها عامل موثر نبوده است.

توفندهای نیرومند شرق چین و ژاپن را هدف گرفته‌اند

در بخش غربی‌تر اقیانوس آرام نیز فصل طوفان‌ها بسیار پرتحرک بوده است و در شرق چین و ژاپن، طوفان‌هایی از جمله «مایساک» و «دوجوآن» در هفته‌های اخیر باعث سیل‌های گسترده و رانش زمین شده‌اند.

بر اساس اعلام سازمان هواشناسی ژاپن، ۱۰ گردباد گرمسیری در غرب اقیانوس آرام شکل گرفته‌اند که

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵ | شماره ۸۵ | October 26. 2026-No 85

بالاترین تعداد ثبت‌شده در یک فصل از سال ۱۹۶۶ تاکنون است. در دوران النینو، گرمتر شدن آب‌های اقیانوس آرام باعث تغییر الگوهای باد می‌شود و در نتیجه گردبادهای گرمسیری معمولا در مناطق شرقی‌تر، دورتر از ژاپن و شرق چین، شکل می‌گیرند.

اما این موضوع همچنین باعث می‌شود طوفان‌ها مسافت و زمان بیشتری برای تغذیه از آب‌های گرم در اختیار داشته باشند و پیش از رسیدن به خشکی، انرژی بیشتری کسب کرده و به طوفان‌های شدیدتری تبدیل شوند.دانشمندان معتقدند احتمال شکل‌گیری طوفان‌های بیشتری در ادامه سال وجود دارد؛ طوفان‌هایی که می‌توانند بار دیگر ژاپن و شرق چین را تحت تاثیر قرار دهند.

منبع:بی بی سی

تغییرات اقلیمی؛ گزارش جدید سازمان ملل: زمین تا سال ۲۱۰۰ به سمت گرمایش تا ۲٫۸ درجه پیش می‌رود – درخواست صندوق جهانی طبیعت (WWF) از دولت آلمان



سازمان ملل متحد هشدار می‌دهد که زمین تا پایان این قرن ممکن است به سمت افزایش دما تا ۲٫۸ درجه سانتی‌گراد نسبت به دوران پیش از صنعتی‌شدن حرکت کند. آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل، در زمان معرفی گزارش سالانه برنامه محیط زیست سازمان ملل (UNEP) گفت که جامعه بین‌المللی به طرز خطرناکی از دست‌یابی به اهداف اقلیمی خود دور است.

گوترش انتقاد کرد که انتشار گازهای گلخانه‌ای همچنان در سطح حد نصاب (رکورد) قرار دارد و اقدامات ملی حفاظت از اقلیم کاملاً ناکافی است .

به گفته دبیرکل سازمان ملل، جهان در زمینه حفاظت از اقلیم همچنان «با آتش بازی می‌کند» و در حال از دست دادن زمان باارزش است. اینگر اندرسن، مدیر اجراییUNEP ، هشدار داد که هر کسر از درجه بالای ۱٫۵ درجه، خطر سیل‌های مرگبار، موج‌های گرما و آتش‌سوزی‌های جنگلی را افزایش می‌دهد؛ همان‌طور که بسیاری از کشورها در سال جاری آن را تجربه کردند.

طبق محاسبات سازمان ملل متحد، حتی اگر همه کشورها تعهدات اقلیمی فعلی خود را به طور کامل اجرا کنند، باز هم زمین حدود ۲٫۶ درجه گرمتر خواهد شد. به این ترتیب، هدف توافق‌نامه اقلیمی پاریس در سال ۲۰۱۵ مبنی بر محدود کردن گرمایش زمین تا حد امکان به ۱٫۵ درجه، به شدت مغفول واقع شده و محقق نخواهد شد.

نیاز به کاهش بسیار شدیدتر انتشار گازها

طبق ارزیابیUNEP ، اگرچه مرز ۱٫۵ درجه هنوز به طور رسمی شکسته نشده است، اما پیش‌بینی می‌شود که از آن عبور خواهد شد. اکنون مسئله کلیدی این است که این عبور از مرز تا حد امکان ناچیز و کوتاه نگه‌داشته شود. این گزارش همچنین حجم تلاش‌های لازم را روشن می‌سازد: برای محدود کردن دوباره و بلندمدت گرمایش زمین به ۱٫۵ درجه، انتشار جهانی گازهای گلخانه‌ای باید تا سال ۲۰۳۰ به میزان ۱۸ درصد، تا سال ۲۰۳۵ به میزان ۴۵ درصد و تا سال ۲۰۴۰ به میزان ۶۹ درصد – در مقایسه با سطح سال ۲۰۲۵ – کاهش یابد.

همچنان امکان محدودسازی وجود دارد

برنامه محیط زیست سازمان ملل در عین حال به پیشرفت‌ها در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر اشاره می‌کند. به‌ویژه انرژی خورشیدی و بادی از زمان توافق‌نامه اقلیمی پاریس، بسیار سریع‌تر از آنچه در ابتدا انتظار می‌رفت توسعه یافته‌اند. از این رو، این

Enviromental Bulletin



بولتن محیط زیست

October 26. 2026-No 85 شماره ۸۵ دوشنبه ۴ آبان ۱۴۰۵

سازمان همچنان امکان محدود کردن افزایش دما را در صورتی که کشورها اقدامات حفاظت از اقلیم خود را به طور جدی تقویت کنند، ممکن می‌داند.

نتایج مهم برای کنفرانسCOP31

گزارش «شکاف انتشار (Emissions Gap Report) » فاصله میان انتشار گازهای گلخانه‌ای پیش‌بینی‌شده در سطح جهان و میزان انتشاری را که برای پایبندی به اهداف توافق‌نامه پاریس لازم است، محاسبه می‌کند . انتظار می‌رود نتایج این گزارش نقش مهمی در کنفرانس جهانی اقلیم (COP31) در آنتالیای ترکیه ایفا کند .کشورها قصد دارند در اوایل نوامبر در آنجا درباره اقدامات تکمیلی برای محدود کردن گرمایش زمین به رایزنی بپردازند.

انتقاد WWF از سیاست‌های اقلیمی دولت آلمان

در همین راستا، انجمن زیست‌محیطی WWF خواستار تلاش‌های بزرگ‌تری در آلمان شد .یاکوبسن، کارشناس اقلیمWWF ، انتقاد کرد که دولت آلمان هنوز جدیت اوضاع را به سیاست‌های لازم ترجمه نمی‌کند .به جای کاهش قاطعانه وابستگی به سوخت‌های فسیلی، تغییرات برنامه‌ریزی‌شده در بخش انرژی بیم آن را می‌برد که روند توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را کند سازد .یاکوبسن خواستار شتاب‌بخشی به گذار انرژی (Energiewende)، توسعه سریع‌تر شبکه‌های برق و ایجاد الزامات مالی برای حفاظت بیشتر از اقلیم شد.

وزارت محیط زیست آلمان گزارش سازمان ملل را «تکان‌دهنده» ارزیابی کرد .سخنگوی این وزارتخانه در برلین گفت این سیگنالی روشن برای کنفرانس اقلیمی آنتالیا است که باید کارهای بیشتری انجام شود .وی به برنامه حفاظت از اقلیم دولت آلمان برای دوره تا سال ۲۰۳۰ اشاره کرد که در آن بر گذار از سوخت‌های فسیلی تاکید شده و نقشه راهی برای آن تعیین شده است .این در حالی است که شورای کارشناسان مسائل اقلیمی آلمان، مقررات موجود در این برنامه را ناکافی دانسته بود.

منبع :شبکه Deutschlandfunk آلمان متن به کمک هوش مصنوعی ترجمه شده است

اقدام ضد محیط زیستی گوگل برای گسترش زیرساخت هوش مصنوعی



عملیات غیرمجاز گوگل برای ساخت دیتاسنترها هوش مصنوعی در فنلاند، به تخریب صدها هکتار جنگل و هجوم گرگ‌ها به مناطق مسکونی انجامید.

تخمین زده می‌شود گوگل به طور غیرقانونی حدود ۲۵۰ هزار درخت را در شمال فنلاند برای ساخت یک مرکز داده قطع کرد، که این امر خشم ملی را برانگیخت.

این شرکت، ۳۳۰ هکتار از جنگل را در نزدیکی شهر موهوس پاکسازی کرد، بدون اینکه ابتدا ارزیابی‌های زیست‌محیطی لازم را انجام دهد.

فعالان محیط زیست تخمین می‌زنند که در یک مکان دیگر در اوتانماکی، ۱۵۰ هزار درخت دیگر نیز قطع شده است. سازمان صدور مجوز فنلاند، از گوگل خواست تا کار در هر دو مکان را در اوایل این ماه متوقف کند. این مکان‌ها بخشی از یک پروژه زیرساختی هوش مصنوعی به ارزش ۱۳ میلیارد یورو هستند، که بزرگترین پروژه از این نوع در فنلاند محسوب می‌شود.

منبع: خبر انلاین

آدرس تماس با بولتن محیط زیست

Bulletinenviro@gmail.com

https://t.me/chaleshzistbumi